



"دستانی که چرخ صنعت را می‌چرخانند می‌توانند آن را متوقف کنند" نگاهی به اعتصاب کارگران ذوب‌آهن اصفهان



اعتصاب یکپارچه هزاران کارگر ذوب‌آهن اصفهان، بار دیگر مبارزات کارگری را در رأس تمام تجمعات و اعتراضات زحمتکشان و تهیدستان قرارداد. روز شنبه ۱۱ آذر ۱۴۰۲ هزاران کارگر ذوب‌آهن اصفهان از بخش‌ها و شیفت‌های مختلف، اعتصاب بزرگی را که فراخوان آن از قبل صادر شده بود آغاز کردند.

در صفحه ۳

جنگ در خان یونس و سرنوشت غزه

با آغاز سومین ماه از حمله نظامی رژیم اشغالگر اسرائیل به نوار غزه، جنگ حماس و اسرائیل در خان یونس، شهر بزرگ جنوب غزه به اوج خود رسیده است. ارتش اسرائیل روز چهارشنبه هفته گذشته، خان یونس را به محاصره درآورد و اعلام کرد نیروی هوایی این کشور با انجام ۲۵۰ حمله طی ۲۴ ساعت گذشته، انبارهای تسلیحات، مقرهای زیرزمینی و زیرساخت‌های نظامی حماس را هدف قرار داده است.



در صفحه ۵

معضل آلودگی هوا و راه حل آن

تشدید آلودگی هوا در هفته‌های اخیر که با تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها در برخی از شهرها همراه گردید، بار دیگر این سوال را در برابر همگان قرار داد که مسئول این وضعیت فاجعه بار چه کسانی هستند و چرا سلامت مردم برای شان اهمیت ندارد؟ وضعیت آلودگی هوا آن‌چنان بحرانیست که یحیا ابراهیمی نماینده مجلس اسلامی را مجبور کرد تا بگوید: "تنها چیزی که برای ما اهمیت ندارد محیط زیست و جان انسان‌هاست".

در صفحه ۱۰

نظامی که شالوده آن بر اختلاس و فساد و رانت خواری استوار است

با افشای فساد بزرگ ۳/۳۷ میلیارد دلاری شرکت "گروه کشت و صنعت دبش" بار دیگر موضوع رانت خواری و فساد ریشه دار در نظام جمهوری اسلامی بر سر زبان‌ها افتاد و دزدی و رانت خواری نهادینه شده در حاکمیت در روزهای اخیر به بحث روز جامعه تبدیل شده است. گروه صنعتی موسوم به "دبش" با چنین ابعادی از دزدی و رانت خواری که پای مجموعه ای از نهادهای دولتی نیز در سودبری با این رسوایی بزرگ گره خورده است، اینبار روی دست همه اختلاس‌گران دولتی و سرمایه داران بلند شده و با این رانت خواری بی سابقه رکورد دزدی و فساد را در جمهوری اسلامی به نام خود ثبت کرد.

در صفحه ۶

رشد راست افراطی و لاینحل بودن بحرانهای سرمایه‌داری!

تداوم بحران‌ها و ناتوانی نظام رو به اضمحلال سرمایه‌داری در حل و یا حتی تخفیف این بحران‌ها زمینه ساز رشد و نفوذ روز افزون جریان‌های شبه فاشیستی و نژادپرست شده است. در جریان انتخاباتی که طی هفته‌های گذشته در آرژانتین و هلند برگزار شد، احزاب راست افراطی و شبه فاشیستی رشد بی سابقه‌ای داشتند. در اکتبر (مهر ماه) سال جاری، «خاویر میلی» نماینده راست‌گرای افراطی در آرژانتین با کسب ۵۶ درصد آراء به ریاست جمهوری این کشور رسید. یک ماه بعد از آن و در انتخابات پیش از موعدی که در هلند برگزار شد، «حزب برای آزادی» که یکی از چند جریان راست افراطی و مهاجر ستیز این کشور است، با کسب ۲۵ درصد آراء بزرگترین فراکسیون پارلمان هلند شد. سالهاست که این روند در سایر نقاط جهان نیز دیده می‌شود. پیش‌تر از این نیز در دانمارک، فرانسه، سوئد، اتریش، آلمان و ایتالیا شاهد اوج گیری و تقویت احزاب مشابه بوده‌ایم.

با این وجود رشد چشمگیر این جریان‌ها در سال‌های اخیر و بویژه بعد از بحران اقتصادی بزرگ سال ۲۰۰۸ با شتاب بیشتری همراه بوده است. اما زمینه‌های شکل‌گیری آنها عمدتاً به دهه ۸۰ میلادی برمی‌گردد. با فروپاشی بلوک شرق، تک قطبی شدن جهان، بروز بحران‌های متوالی و لاینحل اقتصادی - سیاسی جهان سرمایه‌داری، تعمیق تضادهای طبقاتی و بی‌اعتباری روزافزون

در صفحه ۲

در دفاع از اعتصاب و محکومیت بازداشت و ضرب و شتم کارگران ذوب‌آهن

در صفحه ۸

تداوم و آغاز دوباره جنایت جنگی پس از برقراری یک هفته آتش بس

در صفحه ۷

رشد راست افراطی و

لاینحل بودن بحرانهای سرمایه‌داری!

احزاب سیاسی حاکم، بستر مناسبی برای شکل‌گیری و رشد گرایش‌ها و جریان‌هاست راست افراطی و نژادپرست در جهان فراهم شد. «کنیل راکنس» نویسنده نروژی که در کتاب «راز قدرت‌گیری پوپولیسم راست» به بررسی قدرت‌گیری این جریان‌ها در کشورهای اسکانديناوی، هلند و ایالات متحده پرداخته، می‌نویسد از دهه ۸۰ تا کنون حمایت از احزاب و جریان‌ها اولترا راست در اروپا شش برابر شده است.

علت رشد بی سابقه این جریان‌ها چیست؟ بحرانی که در سال ۲۰۰۸ جهان سرمایه‌داری را تکان داد، نه تنها حل و تعدیل نشد بلکه با بحران‌های دیگری توأم شد. پی آمد این بحران‌ها افزایش تورم و بیکاری، تشدید فقر و شکاف طبقاتی بود. جنگ‌ها یکی پس از دیگری در آفریقا و خاورمیانه به راه افتاد. میلیونها آواره گریخته از بمباران و پشت مرزهای بسته سرگردان شدند. بحران محیط زیست و تبعات آن در اقتصاد، بی‌اعتمادی فزاینده نسبت به احزاب بورژوازی حاکم و انحطاط پارلمنتاریسم بر دامنه و عمق تضادهای لاینحل نظام سرمایه‌داری افزوده است. در چنین وضعیتی انبوهی از معضلات سر باز کرده و چهره کزیه سرمایه‌داری رو به زوال را هر روز عریانتر از قبل کرده است. نظم کهنه در حال مرگ است اما نظم نو هنوز متولد نشده است. در چنین خلأی است که جناح‌های رنگارنگ فاشیست و نژاد پرست سرمایه‌داری با وعده بهبود شرایط به صحنه می‌آیند.

«خاویر میلی» که اخیراً به ریاست جمهوری آرژانتین رسید یکی از این نمونه‌ها است. او که با لقب «دیوانه» شناخته می‌شود و در همه کمپین‌های انتخاباتی‌اش به نشانه «قطع هزینه و پست‌های زائد» اهر برقی در دست دارد، در شرایطی به قدرت رسید که آرژانتین- دومین اقتصاد بزرگ آمریکای جنوبی- با بحران اقتصادی بی سابقه‌ای روبروست. نرخ تورم در این کشور به ۱۴۳ درصد و بدهی‌های آن به ۴۴ میلیارد دلار رسیده است. آرژانتین از سال ۲۰۰۱ تا کنون از بازپرداخت بدهی‌ها به صندوق بین‌المللی پول عاجز بوده است. فقر و بی‌خانمانی بی‌داد می‌کند. در جریان مبارزات انتخاباتی کارشناسان اقتصادی هشدار داده بودند چنانچه اقداماتی برای تعدیل فقر و بیکاری صورت نگیرد ۹۵ درصد جمعیت به دامان فقر می‌افتند و بین ۷۰ تا ۸۰ درصد بی‌خانمان می‌شوند. اتاق فکر اتحادیه اروپا نیز پیش‌بینی کرده است که اگر راحل عاجلی برای غلبه بر بحران اقتصادی موجود در آرژانتین ارائه نشود، نرخ تورم در آرژانتین در ۶ ماهه اول سال آینده به ۲۰۰ درصد خواهد رسید. مضافاً این که جنگ اوکراین و کاهش محصولات و صادرات کشاورزی در نتیجه خشکسالی، به اقتصاد این کشور «شوک»‌های بیشتری وارد کرده است. شبح فقر و فلاکت چنان بر زندگی مردم سایه انداخته که بسیاری از زحمتکشان برای گذران

زندگی، مخفیانه دست به فروش اعضای بدن خود می‌زنند. یکی از وعده‌های پیش‌رمانه انتخاباتی «خاویر میلی» آزاد کردن فروش اعضای بدن است. این وعده را داد تا مردم بتوانند آزادانه و بدون هیچگونه ممنوعیتی بدن خود را تکه تکه و حراج کنند. او همچنین پس از پیروزی در انتخابات اخیر اعلام کرد اقتصاد کشور را با «شوک تریپی» درمان خواهد کرد و در اولین اقداماتش هزینه‌های مربوط به آموزش و پرورش، فرهنگ و فمینیسم را حذف می‌کند و از پیوستن آرژانتین به پیمان اقتصادی «بریکس» (پیمان اقتصادی بین کشورهای برزیل، روسیه، هند و چین) خودداری خواهد کرد.

نمونه دیگر، قدرت‌گیری راست افراطی در هلند است که با تکیه به سیاست‌ها و برنامه‌های مهاجرت‌ستیزانه توانسته یک چهارم رای دهندگان را به خود جلب کند. آنها به مردم آدرس اشتباه می‌دهند. مهاجرین را عامل تورم و کمبود مسکن و کار معرفی می‌کنند. مردمی که کمرشان زیر بار تورم فزاینده خرد شده و به واسطه اعمال سیاست‌های نئولیبرالی احزاب حاکم و گسترش خصوصی سازی‌ها از داشتن نیازهای اولیه‌ای چون مسکن، کار و بهداشت و درمان محروم شده‌اند، پس از سال‌ها بی‌تفاوتی سیاسی، با وعده وعیدهای شارلاتان‌های سیاسی نوظهور، این بار به گروه‌های راست افراطی دل می‌بندند. گروه‌هایی که گرچه نام حزب را بیدک می‌کنند اما نه حزبی در کار است و نه عضوی دارند. «حزب برای آزادی» تنها روی کاغذ حزب است و «خیرت ویلدرز» تنها عضو و ایضا رهبر مادام‌العمر آن است. با این که این «حزب» خیرت ویلدرز در انتخابات ۲۲ نوامبر با کسب ۲۵ درصد آراء به ۳۷ کرسی پارلمانی از این نمایندگان، اساساً عضویتی در این «حزب» ندارند و تنها مطیع و مجری فرامین «رهبر» اند. ساز و کار تصمیم‌گیری‌های این حزب تکفرفه و چگونگی تامین منابع مالی آن طی سال‌های اخیر از مسائل بحث برانگیز جامعه هلند بوده است. این «حزب» در طول فعالیت خود طرح‌های اقتصادی مضحکی نظیر طرح دریافت مالیات از افرادی که روسری به سر می‌کنند، عنوان کرده است.

جریان‌ها نژادپرست و راست افراطی گرچه در کشورهای مختلف، متناسب با شرایط اقتصادی و

اجتماعی آن، بر مسائل و محورهای مختلفی انگشت می‌گذارند اما در اساس نقاط مشترک فراوانی دارند. این جریان‌ها به غایت محافظه کار و مرتجعند و ضدیت شدیدی با جنبش‌های اجتماعی و دستاوردهای این جنبش‌ها دارند. فمینیسم و مبارزات زنان را به سخره می‌گیرند، با حق سقط جنین مخالفند، همبستگی بین‌المللی را مطرود می‌دانند و در عوض شوونیسم را تبلیغ می‌کنند. خواهان اشد مجازات و برگشت حکم اعدام‌اند که سالهاست در بسیاری کشورها لغو شده، از محدود کردن آزادیهای سیاسی دفاع می‌کنند، رسانه‌های آزاد را دشمن جامعه معرفی می‌کنند، با جنبش محیط زیست مخالفت آشکار دارند و آن را «سرگرمی نیروهای چپ» می‌دانند. بی‌جهت نیست که کمونیست‌ستیزی یکی از اهداف فوری آنهاست. روز ۳ دسامبر سال جاری، نیروهای راست افراطی اروپا در اجلاس سالانه خود که در فلورانس ایتالیا برگزار شد، دو هدف فوری پیش روی خود گذاشتند: ۱- ساختن «اروپایی بدون سوسیالیست‌ها» و ۲- کسب مقام سوم در پارلمان اروپا. بلوک راست‌های افراطی در حال حاضر با داشتن ۶۵ کرسی از مجموع ۷۰۵ کرسی پارلمان اروپا، مقام ششم را در بلوک‌های سیاسی این اتحادیه دارد. این جریان‌ها گرچه در اساس خواهان برچیده شدن بساط اتحادیه اروپا هستند، اما معتقدند عجالتاً باید برای افزایش نفوذ خود در این اتحادیه تلاش کنند.

آن چه موجب تقویت این گرایش‌هاست راست افراطی و شبه فاشیستی و در مواردی قدرت‌گیری آنها شده، بحران‌های لاینحل نظم رو به زوالی است که در چنبره تضادها درگیر است. بحران بر بحران افزوده می‌شود اما نظام سرمایه‌داری راه حلی حتی برای تخفیف لحظه‌ای آن ندارد. به صحنه آمدن نمایندگان جناح‌های هار و فاشیست در شرایط کنونی و قدرت‌گیری آنها بیان آشکار این ناتوانی است. دستجات و گروه‌هایی که مظهر و مدافع دیکتاتوری، لمپنیسم، لودگی، بربریت، توحش و انسان‌ستیزی‌اند، نه می‌خواهند و نه می‌توانند به نابرابری و انواع تبعیضات و استثمار پایان دهند. اما قدرت‌گیری و رشد بیشتر این جریان‌ها ممکن است حتی در مقاطعی موجب بروز فجایعی در جهان نیز بشود. از همین روست که انتخاب واقعی که امروزه در مقابل بشریت قرار دارد، انتخاب بین بربریت و سوسیالیسم است. ما برای سوسیالیسم مبارزه کرده و می‌کنیم و برای پایان دادن به بربریت، به عنوان بخشی از اردوی کار با تمامی جریان‌هایی که علیه نظام سرمایه‌داری مبارزه می‌کنند، رزم مشترکی را پیش خواهیم برد. انتخاب ما سوسیالیسم است.

**رژیم جمهوری اسلامی را
باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و
قیام مسلحانه برانداخت**

"دستانی که چرخ صنعت را می‌چرخانند می‌توانند آن را متوقف کنند"

نگاهی به اعتصاب کارگران ذوب‌آهن اصفهان



که بزرگترین تولیدکننده محصولات فولادی در خاورمیانه و در زمره سودآورترین شرکت‌ها در بخش صنایع فولاد است، اما دستمزد و مزایای کارگران آن بسیار پایین و کمتر از مزد و مزایای سایر شرکت‌های صنایع فولاد است. کارگران سال‌هاست خواهان افزایش دستمزد و همسان‌سازی حقوق‌ها هستند. ده سال است که اجرای کامل و صحیح طرح طبقه‌بندی مشاغل به تعویق افتاده و افزایش حقوق ناشی از اجرای این طرح که شامل حال کارگران می‌شده، عملاً به غارت رفته و چپاول شده است. کارگران خواهان پایان این غارت و اجرای کامل طرح طبقه‌بندی مشاغل و دریافت کامل اضافه‌حقوق ناشی از اجرای کامل این طرح هستند و با ارباب و بازداشت و تشدید سرکوب، زمین مبارزه برای تحقق این خواست‌ها را خالی نمی‌کنند. کارگران ذوب‌آهن اصفهان متشکل و یکپارچه وارد نبرد با مدیریت و حامیان آن شده و نه فقط قرار نیست با توپ‌وتشر حراست و دستگاه سرکوب و وعده‌های توخالی مدیریت میدان را خالی کنند، بلکه آن‌ها مصمم‌اند در صفوفی فشرده‌تر و پرشمارتر و در ابعادی بزرگتر وارد صحنه نبرد شوند.

بیانیه‌ای که از سوی "مجمع کارگران ذوب‌آهن اصفهان" در سومین روز اعتصاب (۱۳ آذر) با عنوان "اعتراض و مطالبه‌گری حق قانونی ما کارگران است، اعمال فشار و آزار همکارانمان را پایان دهید" انتشار یافت، به روشنی نشان داد که کارگران ذوب‌آهن از آگاهی سیاسی بالایی برخوردارند، نسبت به تمام اجحافات که در حق آن‌ها به‌عمل آمده آگاه و معترض‌اند. اعتراض و اعتصاب و ایجاد تشکل مستقل را حق مسلم و بدیهی کارگران می‌دانند و در همه حال پیگیر مطالبات خویش‌اند. در بیانیه "مجمع کارگران ذوب‌آهن اصفهان" ضمن تأکید بر خواست آزادی بی‌درنگ همکاران بازداشتی خود از جمله چنین آمده است:

"همکارانی که بازداشت شده‌اند باید به‌فوریت و بدون هیچ قید و شرطی آزاد گردند.
- مشکل همکارانی که در روند ورود و

اراده استوار کارگران مبارز و آگاه ذوب‌آهن اصفهان به ادامه اعتراض و اعتصاب و پیگیری خواست‌هایشان ایجاد نکرد بلکه عزم و اراده کارگران را به ادامه مبارزه استوارتر ساخت. کارگران ذوب‌آهن اصفهان پیش‌از این نیز تجربه احضار و تهدید و بازداشت و حتی حضور نیروهای گارد ویژه در محل شرکت را از سر گذرانده بودند و در دوران مبارزه طبقاتی و رودرویی با مدیریت و نهادهای حکومتی حامی آن، به‌قدر لازم آبدیده شده بودند که از این ترندها نهراسند. درست برعکس، کارگران ذوب‌آهن اصفهان به قدرت اتحاد و همبستگی و شکست‌ناپذیری آن در برابر مدیریت و حامیان آن آگاه‌اند و برای احقاق حقوق خویش متشکل‌تر و متحدتر از همیشه وارد صحنه مبارزه شده‌اند و روزهای ۱۲ و ۱۳ آذر نیز به اعتصاب ادامه دادند.

این نخستین بار نیست که هزاران کارگر ذوب‌آهن اصفهان به‌طور یکپارچه دست به اعتصاب می‌زنند. سال گذشته نیز در چند نوبت از جمله روزهای ۲۴ و ۲۵ آبان اعتصابات بزرگی را سازمان دادند. در اعتصاب آبان سال ۱۴۰۱ نیز کارگران در صفوفی به هم فشرده، متحد و یکپارچه پس از راهپیمایی در محوطه کارخانه و تجمع در مقابل دفتر مدیریت و سردادن شعارهایی چون "مشکل ما حل نشه، کارخونه تعطیل میشه"، "فکر نکنید به روزه، این وعده‌ی هرروزه" خواهان رسیدگی به خواست‌های خود از جمله، اجرای کامل و صحیح



طرح طبقه‌بندی مشاغل، افزایش دستمزد و همسان‌سازی مزد و مزایا با سایر شرکت‌های فولادی شدند. مدیریت شرکت نیز در همان حال که به نیروهای گارد ویژه متوسل شد، اما از ترس ادامه و گسترش اعتصاب، بی‌درنگ مبلغ یک‌میلیون تومان به‌حساب کارگران واریز کرد و وعده‌هایی نیز در راستای برآورده ساختن خواست‌ها به کارگران داد. اما یک سال بعد از سپری شدن آن وعده‌ها، نه طرح طبقه‌بندی مشاغل به‌طور کامل و صحیح اجرا شده نه افزایش دستمزد و همسان‌سازی مزد و مزایا. پوشیده نیست که با توسل به ارباب و قهر و سرکوب و نیروهای گارد ویژه نمی‌توان کارگران آگاه ذوب‌آهن اصفهان را از ادامه مبارزه بازداشت. ذوب‌آهن اصفهان در همان حال

کارگران ذوب‌آهن اصفهان با اتحاد و انضباط کم‌نظیری در محوطه کارخانه دست به راهپیمایی زدند و سپس در مقابل دفتر مدیریت تجمع اعتراضی برپا کردند. کارگران ذوب‌آهن اصفهان که روز یکشنبه ۵ آذر با یک اقدام اعتراضی سمبلیک در شکل امتناع از دریافت



غذای شرکت به مدیریت هشدار داده بودند اگر به خواست‌هایشان رسیدگی نشود وارد اعتصاب خواهند شد، به هشدار خویش عمل کردند. اعتصاب یکپارچه هزاران کارگر ذوب‌آهن که با خواست‌های مهمی چون اجرای کامل و صحیح طرح طبقه‌بندی مشاغل، افزایش دستمزد و مزایا و همسان‌سازی دستمزدها با دیگر شرکت‌های فولادی آغاز شد، مدیریت شرکت را به هراس افکند. حراست و مدیرعامل شرکت و نهادهای دولتی حامی مدیریت، برای سرکوب و خاتمه اعتصاب، سراسیمه به تکاپو افتادند. "کوهی" مدیرعامل دروغ‌گو و فریبکار ذوب‌آهن که در نخستین روز اعتصاب سعی کرده بود کارگران را آرام و اعزام نیروهای گارد ویژه در اعتصاب قبلی (۲۴ و ۲۵ آبان ۱۴۰۱) را توجیه کند، تنها در فاصله چند ساعت با وارد کردن نیروهای گارد ویژه و چماق به دستان حراستی به داخل شرکت، بار دیگر ماهیت ضد کارگری و سخنان فریبکارانه خود را عریان ساخت. در دومین روز اعتصاب (۱۲ آذر) نیروهای گارد ویژه وارد شرکت شدند که فریادهای خشم‌آلود و اعتراضی کارگران ذوب‌آهن و شعار "گارد ویژه و باطوم، دیگر اثر ندارد" را در پی داشت. مدیریت و حراست شرکت با همراهی نهادهای امنیتی تلاش کردند با ارسال پیامک‌های تهدیدآمیز، احضار کارگران، تعطیل برخی بخش‌ها و اقداماتی از این دست مانع از تداوم اعتراض و اعتصاب کارگران شوند. کارت برخی از کارگران و ورود و خروج آنان به شرکت با اخلاص روبرو شد. شماری از کارگران احضار و شمار دیگری بازداشت شدند. از میان بازداشت‌شدگان تنها اسامی دو نفر، مسعود اسپنانی و حاج محمودی اعلام شده و از تعداد دقیق بازداشتی‌ها و وضعیت آن‌ها اطلاعی در دست نیست.

این اقدامات سرکوب‌گرانه اما هیچ تزلزلی در

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر



"دستانی که چرخ صنعت را می‌چرخاند می‌توانند آن را متوقف کنند"

نگاهی به اعتصاب کارگران ذوب‌آهن اصفهان

خروجشان اخلال ایجاد شده و یا کارت‌هایشان متوقف شده است باید سریعاً برطرف گردد. ما قاطعانه بر خواست‌های خود از جمله تصحیح و اجرای کامل طرح طبقه‌بندی مشاغل، افزایش مزد و پاداش و دیگر خواسته‌های خود تأکید داریم. فکر دور زدن و نادیده گرفتن مطالبات ما را از سر بیرون کنید. به‌فوریت باید



اقداماتی در راستای تحقق خواسته‌های ما کارگران آغاز کرده و اعلام نمایید. در خاتمه قاطعانه اعلام می‌کنیم که قدرت و اراده‌ی ما کارگران را دوباره آزمایش نکنید! فراموش نکنید که ۱۸۰۰۰ پرسنل در این شرکت مشغول به کار هستند و تجمعاتی که تاکنون برگزار کرده‌ایم همواره چند هزار نفره بوده است. ما را وادار نکنید تا قدرت خود را در ابعاد بزرگ‌تر و در سطوح بالاتری به شما نشان دهیم! فراموش نکنید که **چرخ‌های این صنعت با دستان ما می‌چرخد و با دستان ما نیز می‌تواند متوقف** گردد. شمارش معکوس برای شما آغاز شده است.

مجمع کارگران ذوب‌آهن اصفهان" در همین چند سطر پایانی بیانیه "مجمع کارگران ذوب‌آهن اصفهان" به‌روشنی می‌توان مشاهده نمود که کارگران این شرکت چگونه دست در دست هم نهاده و پشت‌به‌پشت هم داده‌اند و متحد و یکپارچه، حامی و مدافع رفقای بازداشتی خود یا کارگرانی هستند که با مشکل کارت تردد روبرو شده‌اند. این چند سطر بیان این واقعیت است که کارگران ذوب‌آهن اصفهان به اهمیت تشکل مستقل کارگری در محیط کار واقفاند و در همین رابطه تشکل مستقلی را سازمان داده‌اند که متعلق به همه کارگران ذوب‌آهن است. بیانیه "مجمع کارگران ذوب‌آهن اصفهان" همچنین این واقعیت را نشان داد که کارگران این شرکت در مبارزه و پیگیری خواست‌های خود بسیار قاطع‌اند و با هیچ ترفندی نمی‌توان آن‌ها را از این مبارزه منصرف ساخت. از همه‌ی این‌ها مهم‌تر اینکه کارگران ذوب‌آهن به قدرت اتحاد و شکست‌ناپذیری اراده واحد طبقاتی کارگران وقوف کامل دارند. کارگران مبارز ذوب‌آهن اصفهان آماده‌اند و از این توانایی برخوردارند که بجای اعتصابات چند هزار نفره، ۱۸ هزار تن را بسیج کنند و در ابعادی بزرگ‌تر وارد عرصه نبرد شوند. کارگران ذوب‌آهن اصفهان به مدیریت و تمام‌حامیان ریزودرشت آن هشدار داده و به آنان یادآوری نموده‌اند؛ چرخ‌های صنعت ذوب‌آهن با دستان آن‌ها می‌چرخد و چنانکه اراده کنند، با همان دستان می‌توانند این

چرخ‌ها را متوقف کنند. این‌ها همه نشانه تغییرات بسیار مثبت در ذوب‌آهن اصفهان، ارتقای آگاهی سیاسی و تشکل یابی در صفوف کارگران و درنهایت علائم رشد جنبش طبقاتی کارگران است. اعتصاب بزرگ و یکپارچه هزاران کارگر ذوب‌آهن اصفهان در حالی تمام فضای سیاسی جامعه را به خود جلب نموده است که علاوه بر تجمعات روزانه بازنشستگان تأمین اجتماعی، کشوری، مخابرات، فولاد و بازنشستگان و بازماندگان صنعت نفت، ما شاهد جرقه‌های مکرر اعتصاب و اعراض در این یا آن کارخانه و مؤسسه از نمونه پالایشگاه آبادان، پتروشیمی گچساران، نورد لوله اهواز، گروه ملی فولاد اهواز و از همه مهم‌تر ادامه مبارزات و تجمع‌های اعتراضی سراسری کارکنان رسمی نفت هستیم.

تجمع‌های اعتراضی روزانه کارگران و کارکنان رسمی صنعت نفت دهمین هفته خود را پشت سر گذاشته و بی‌وقفه همچنان ادامه دارد. کارکنان شاغل در مناطق مختلف فلات قاره، سکوهای دریایی، مناطق نفت‌خیز جنوب، شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاجاری و مراکز دیگر به تجمعات اعتراضی و روزانه خود ادامه داده‌اند. دهن‌کجی و بی‌اعتنایی مقامات وزارت نفت به این اعتراضات و مطالبات کارکنان، خشم و نارضایتی را در صفوف این بخش از نیروی کار صنعت نفت متراکم‌تر ساخته است. صبر و تحمل کارکنان عملیاتی صنعت نفت در حال اتمام و خشم فروخته آن‌ها در آستانه انفجار است. بعد از بی‌توجهی مقامات دولتی و وزارت نفت به تجمعات اعتراضی کارکنان رسمی صنعت نفت، هم‌اکنون زرمزه اتخاذ یک تاکتیک مؤثرتر مبارزه بالاگرفته و ارتقای شکل مبارزه به امری فوری و ضروری در مبارزه کارکنان رسمی صنعت نفت تبدیل شده است. کارکنان رسمی صنعت نفت، به اتخاذ تاکتیک اعتصاب و خواباندن چرخ تولید به‌عنوان یک تاکتیک

اصولی و مؤثرتر مبارزه، نزدیک و نزدیک‌تر شده‌اند. سخنان و مطالب انتشاریافته در شبکه‌های مجازی از جمله کانال‌های تلگرامی کارکنان صنعت نفت و نیز بیانیه اخیر تشکل سراسری کارکنان رسمی نفت (شورای هماهنگی و همبستگی کارکنان رسمی صنعت نفت) نیز همین روحیه را بازتاب می‌دهند. این بیانیه که خطاب به وزیر کار و در اعتراض به تصمیم کابینه و نقشه وزیر کار برای دست‌اندازی بر صندوق بازنشستگی کارکنان صنعت نفت نوشته شده و سه‌شنبه ۱۴ آذر انتشار یافته است اقدامات و تحرکات وزیر کار را برافروختن آتشی دانسته که شعله‌های آن به تمام مخازن نفت و گاز خواهد رسید. بیانیه، وزیر کار را از آتش‌افروزی منع نموده و هشدار داده است شعله‌های سرکش این آتش حریق بزرگی را در نفت و گاز در پی خواهد داشت.

روحیه اعتراضی و انفجاری به کارگران و کارکنان صنعت نفت خلاصه نمی‌شود. فشارهای فزون‌ازحد تحمل و تنگناهای بسیار شدید اقتصادی و معیشتی، روحیه اعتراضی و خشم را در صفوف عموم کارگران تشدید و تقویت نموده است. کارگران و کارکنان صنعت نفت یک نمونه است و کارگران ذوب‌آهن اصفهان نمونه دیگر. آنچه در شرایط کنونی حائز اهمیت جدی است، ایجاد پیوند و ارتباط میان این اعتراضات و اعتصابات گسترش یافته است. از آنجاکه کارگران ذوب‌آهن اصفهان از اتحاد و انسجام نسبی بهتری برخوردارند، ضمن تقویت اتحاد و استحکام بیشتر تشکل خویش، قطعاً می‌توانند نقش مهمی در ایجاد ارتباط و اتحاد با سایر کارگران نیز ایفا کنند و اعتصابات و تجمع‌های اعتراضی کنونی را به مرحله‌ای پیشرفته‌تر و سطحی بالاتر سوق دهند.



جنگ در خان یونس و سرنوشت غزه

در همین روز گروه اسلام‌گرای حماس نیز اعلام کرد که نیروهایش در تمامی محورهای تهاجم به نوار غزه درگیر نبردهای شدیدی علیه نظامیان اسرائیلی هستند. یک روز بعد خبرگزاری فرانسه گزارش داد که با شکسته شدن خط دفاعی حماس، نیروهای اسرائیلی با تانک‌ها، نفربرهای زرهی و بولدوزرهای خود به خان یونس حمله کردند.

از روز جمعه درگیری‌های سنگینی در داخل شهر گزارش شده است. با گسترش عملیات زمینی ارتش اشغالگر اسرائیل، هزاران غیرنظامی به مناطق ساحلی یا به رفح نزدیک مرز مصر فرار کرده‌اند. یک مقام سازمان ملل اعلام کرد «۶۰۰ هزار نفر که در جنوب نوار غزه دستور تخلیه گرفته‌اند، جایی برای رفتن و پناه گرفتن ندارند». بسیاری از ساکنان نوار غزه پس از دستور خروج از شمال غزه، به خان یونس پناه برده بودند.

ارتش اسرائیل بر دامنه حملات خود افزود و روز جمعه هفدهم آذر اعلام کرد که در ۲۴ ساعت گذشته، بیش از ۴۵۰ مکان در غزه را از طریق زمین، دریا و هوا هدف قرار داده است. این حجم از حملات از پایان آتش‌بس بی‌سابقه بود. درحالی‌که بیشتر جمعیت خان یونس به مناطق ساحلی یا رفح پناه برده‌اند، جنگ خانه به خانه ادامه دارد. در همین حال نظامیان ارتش اشغالگر حملات خود را به جبلیا در شمال و شجاعیه در شرق نیز تشدید کردند. در جریان این درگیری‌ها که بسیاری از مراکز مسکونی و عمومی تخریب شد، گروه دیگری از مردم غیرنظامی زیر بمباران‌های اسرائیل جان خود را از دست داده‌اند. مدیر بیمارستان ناصر خان یونس از شمار بسیار بالای کشته‌ها و مجروحین خبر داده است.

آمار تعداد فلسطینیانی که از آغاز جنگ تاکنون کشته شده‌اند متجاوز از ۱۷۵۰۰ و تعداد مجروحین بیش از ۴۵۰۰۰ اعلام شده است.

درحالی‌که ارتش اسرائیل مناطق وسیعی از غزه را به اشغال درآورده است، به گزارش سایت خبری فارس وابسته به سپاه پاسداران، «حماس، روز جمعه (۱۷ آذر) از فلسطینی‌های ساکن در کرانه باختری و مناطق اشغالی ۱۹۴۸ خواست تا دست به خیزش بزنند».

«از مردم خود در اراضی ۱۹۴۸ و کرانه باختری می‌خواهیم تا به سمت مسجدالاقصی راهی شوند؛ از جوانان انقلابی در شهرها و روستاها و اردوگاه‌های کرانه باختری خواستار درگیری با دشمن در ابراز همبستگی با نبرد طوفان الاقصی هستیم». این فراخوان حماس پاسخی از جانب مردم فلسطین نگرفت. دلیل آن نیز روشن است. مردم فلسطین این گروه را در فاجعه‌ای که بر سر آن‌ها آوار شده، سهیم می‌دانند.

در همین حال تلاش بین‌المللی برای آتش‌بس انسان دوستانه به‌منظور کمک به مردم آواره و مصیبت‌دیده فلسطینی ادامه یافت. دبیر کل

حماس سهل و ساده نیست، با پایان حاکمیت حماس بر غزه، مسئله‌ای که هنوز باقی می‌ماند سرنوشت نامعلوم گروگان‌های اسرائیلی خواهد بود.

این بهانه‌های در دست رژیم اسرائیل خواهد داد که همچنان به اشغال غزه و جنایات خود علیه مردم فلسطین ادامه دهد. به عبارتی مردم غزه را به گروگان خواهد گرفت تا وقتی که مسئله گروگان‌های اسرائیلی حل شود. اما بعد چه رخ خواهد داد؟ اگر مسئله گروگان‌ها به نحوی حل شود، سرنوشت غزه و مردم آن چه خواهد شد؟

رژیم اسرائیل تا همین‌جا نیز بخش بزرگی از غزه را ویران و جمعیتی حدود ۲ میلیون را آواره کرده است. اما اگر اسرائیل غزه را به کلی ویران و آن را به زمین سوخته تبدیل کند، مردم غزه نابود شدنی نیستند. آن‌ها می‌مانند و به مبارزه خود ادامه خواهند داد.

در شرایط کنونی، مخالفت افکار عمومی جهان و اکثریت بزرگ دولت‌های جهان با سیاست‌های اشغالگرانه رژیم اسرائیل به آن اجازه نخواهد داد که همچون گذشته با مردم فلسطین برخورد کند، مردم غزه را به‌سوی کشورهای دیگر کوچ دهد و غزه خالی از سکنه را ضمیمه اسرائیل نماید. این ماجرا در شرایط سیاسی کنونی جهان خاتمه یافته است. بنابراین تحت چنین شرایطی، در اشغال نگه‌داشتن غزه در درازمدت ممکن نیست. از یکسو نگهداری نیروی نظامی در غزه هرروز هزینه‌های ده‌ها و صدها میلیون دلاری خواهد داشت که رژیم اسرائیل حتی با کمک آمریکا نمی‌تواند از پس آن برآید، از دیگر سو آسیب‌پذیری ارتش اسرائیل در برابر حملات چریکی خواهد بود که احتمالاً حماس و سایر جریان‌ها به‌سوی این شکل از جنگ روی خواهد آورد. این را دولت‌های آمریکا و اسرائیل هم می‌دانند.

به دلایل فوق است که از مدتی پیش مذاکرات پشت پرده میان دولت آمریکا، دولت خودگردان فلسطینی و اسرائیل برای مرحله پس از پایان عملیات نظامی اسرائیل برای واگذاری غزه و چگونگی آن در جریان بوده است.

به گزارش بی‌بی‌سی اخیراً "نخست‌وزیر تشکیلات خودگردان فلسطین در مصاحبه‌ای با بلومبرگ گفته است با مقامات آمریکایی در مورد اینکه چه کسی غزه را پس از جنگ اداره کند، همکاری می‌کند.

وی گفته است که نتیجه مطلوب این است که گروه شبه‌نظامی حماس که غزه را کنترل می‌کند، به شریک کوچک سازمان آزادی‌بخش فلسطین تبدیل شده و تحت نظر آن فعالیت کند.

وی گفت که هدف ائتلاف ایجاد یک کشور مستقل جدید شامل کرانه باختری، غزه و بیت‌المقدس شرقی است."

این در حالی است که ظاهراً دولت اسرائیل با هرگونه مشارکت حماس در ساختار آتی دولت فلسطین که احتمالاً منظورش همین حکومت خودمختار فعلی فلسطینی است، مخالفت کرده است.

نتیجه اما هرچه باشد، آنچه اکنون فوری است، آتش‌بس و نجات مردم غزه از فجایع جنگ ارتجاعی و پایان دادن به وحشیگری رژیم نژادپرست و اشغالگر اسرائیل است.

سازمان ملل با استفاده از اختیارات خود فراخوان جلسه اضطراری شورای امنیت را صادر کرد. وی در سخنرانی خود در این اجلاس ضمن محکوم کردن اقدامات نظامی حماس و اسرائیل به‌عنوان نقض مقررات جنگ گفت: حملات وحشیانه حماس به اسرائیل در هفتم اکتبر، هرگز نمی‌تواند مجازات دسته‌جمعی مردم فلسطین را توجیه کند. به مردم در غزه گفته می‌شود که مثل توپ‌های انسانی بدون رعایت مسائل ابتدایی حیاتی، از این‌طرف به آن‌طرف بروند. در حالی که هیچ کجای غزه امن نیست.

تقریباً ۸۵ درصد مردم غزه آواره شده‌اند. بیمارستان‌ها، مدارس و تسهیلات سازمان ملل تخریب شده یا آسیب‌دیده‌اند.

خانواده‌ها همه‌چیز خود را از دست دادند و روی زمین سخت می‌خوابند. بحران غذایی وجود دارد و اغلب مردم در غزه از گرسنگی رنج می‌برند. مردم غزه شاهد ورطه‌ای بی‌انتهای هستند و جامعه جهانی باید هر کاری که می‌تواند برای پایان دادن به مصیبت‌های آن‌ها انجام دهد.

او در پایان سخنانش گفت که حملات راکتی حماس و استفاده این گروه از غیرنظامیان به‌عنوان «سپر انسانی» ناقض «مقررات جنگی» است. وی افزود: بی‌قیدوشرط حملات ۷ اکتبر حماس به جنوب اسرائیل را محکوم می‌کند، اما این اقدامات تخلفات اسرائیل را تیرنه نمی‌کند. وی خواستار فراهم شدن امکان بازدید کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از گروگان‌ها و رفتار انسانی با آن‌ها و آزادی فوری و بدون قید و شرط گروگان‌های اسرائیلی شد.

سپس از حاضران در نشست شورای امنیت خواست تا برای برقراری آتش‌بس فوری بشردوستانه، برای حفاظت از جان غیرنظامیان و ارسال سریع کمک‌های نجات‌بخش تلاش کنند. چشم‌های جهان - و چشم‌های تاریخ- به ما دوخته شده است.

با تمام تلاش‌هایی که برای تصویب قطعنامه آتش‌بس صورت گرفت، دولت آمریکا اما قطعنامه‌ای را که از سوی امارات متحده عربی برای برقراری آتش‌بس ارائه شد، وتو کرد. بنابراین تلاش برای تصویب پنجمین قطعنامه پیشنهادی در شورای امنیت برای آتش‌بس نیز به شکست انجامید.

بدین ترتیب امپریالیسم آمریکا به‌عنوان اصلی‌ترین حامی و پشتیبان رژیم اشغالگر و نژادپرست اسرائیل بر ادامه اقدامات جنایت‌کارانه این دولت علیه مردم ستمدیده و بی‌دفاع فلسطین مهر تأیید زد. با رد قطعنامه در شورای امنیت اکنون رژیم اسرائیل دست خود را کاملاً باز می‌بیند که زیرپوشش نابودی حماس، عملیات نظامی را تشدید کند و با اقدامات وحشیانه خود، کنتار و آواره کردن مردم غزه را شدت بخشد. از همین روست که روز شنبه از ساکنان غیرنظامی مناطق مرکزی خان یونس خواست که آنجا را ترک کنند.

بنابراین با وتوی قطعنامه از سوی آمریکا عجلتاً چشم‌اندازی برای آتش‌بس، لااقل در چند هفته آینده وجود نخواهد داشت. بر طبق برخی گزارش‌ها دولت آمریکا از اسرائیل خواسته است با ادامه حملات نظامی تا پایان سال جاری، اشغال غزه را کامل کند و به حاکمیت حماس در غزه پایان دهد. اما گذشته از این که نابودی

نظامی که شالوده آن بر اختلاس و فساد و رانت خواری استوار است

اینکه شرکت نوپای "دبش" از چه نفوذ و رانتی در درون حاکمیت برخوردار بوده که طی یک بازه زمانی ۴ ساله توانسته است به چنین ابعادی از رانت و اختلاس دست پیدا کند، تماما برمی گردد به ماهیت استبدادی و فساد برانگیز نظام ارتجاعی حاکم بر ایران که شالوده آن یکسره بر اختلاس و دزدی و فساد و رانت خواری استوار است.

برای روشن شدن چگونگی این رسوایی چند میلیارد دلاری بهتر است موضوع را از زبان رئیس دستگاه دزد پرور و فاسد قوه قضائیه بشنویم. محسنی اژه ای که خود یکی از مسئولان دزد و فاسد شناخته شده جمهوری اسلامی است، روز پنجشنبه ۱۶ آذر در جمع دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی در مورد این رسوایی بزرگ گفت: "دولت هنوز مدیران متخلف پرونده جای دبش را معرفی نکرده است. البته دولت گفته ۶۰ فرد متخلف [دولتی] را برکنار کرده اما تاکنون این افراد به قوه قضائیه معرفی نشده اند". محسنی اژه ای در ادامه توضیح این فساد دولتی، با بیان اینکه با "متخلفان واردات جای بدون خط قرمز برخورد می شود"، گفت: "تخلف گروه دبش از سال ۹۸ شروع شده و همان سال اول حدود ۲ میلیون دلار گرفته. سال ۹۹ هم ۲۱ میلیون دلار گرفته، اما، در سال ۱۴۰۰، شصت درصد ارز واردات را به این گروه داده اند که حتما خلاف است و در سال ۱۴۰۱ هم بیش از ۷۰ درصد ارز را این گروه گرفته است". اژه ای، رئیس دستگاه دزد و فاسد و آدمکش جمهوری اسلامی برای تطهیر نظام و یا اینکه نقش کابینه رئیسی برگزیده خامنه ای را در این رانت خواری بی سابقه پنهان سازد، از کسانی که حاصل دسترنج کارگران و زحمتکشان را به ثمن بخش به شرکت "دبش" داده اند، نام نمی برد.

البته سازمان بازرسی جمهوری اسلامی پیشتر و قبل از افشای علنی این پرونده بدون ذکر نام شرکت "دبش" اعلام کرده بود که یک شرکت خاص از سال ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ (در قالب واردات جای و ماشین آلات)، معادل ۳ میلیارد و ۳۷۰ میلیون دلار ارز دریافت کرده که از این مبلغ حدود یک میلیارد و ۴۷۲ میلیون دلار از ارز نیمایی تامین شده برای ماشین آلات و مابقی آن برای واردات جای بوده است.

شرکت صنعتی دبش اما پس از گرفتن چند میلیارد دلار ارز نیمایی، به رغم ثبت تعهدات خود مبنی بر واردات جای درجه یک هند با کیفیت "دارجلینگ" به ارزش هر کیلو ۱۴ دلار، در چهار سال گذشته به وارد کردن جای کشور کنیا و نیز با صادرات جای صادراتی درجه دو ایران به کنیا و سپس واردات همان جای با برچسب کنیا به ارزش هر کیلو حدود ۲ دلار اقدام کرده است.

نکته قابل توجه در این دزدی و رانت خواری بزرگ شرکت "گروه کشت و صنعت دبش"، نفوذ قابل توجه این شرکت در تمامی دستگاه های اجرایی نظام است که با استفاده از این نفوذ خود به صورت سیستماتیک موفق به انجام این رانت

خواری و دزدی رگورد دار در نظام سراپا فساد جمهوری اسلامی شده است. رئیس سازمان بازرسی کل کشور علاوه بر نفوذ این شرکت در نهادهای دولتی از وجود "شانیه" نفوذ در تخصیص ارز نیز صحبت کرده است. طبق گفته این مقام حکومتی، واردات چای و ماشین آلات این گروه تجاری، نیازمند ثبت سفارش و تأییدیه وزارت صمت (کشت و صنعت و معادن)، جهادکشاورزی، بانک تجارت و بانک مرکزی بوده که طی سال های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ با هماهنگی های صورت گرفته توسط مدیران دستگاه های مذکور، ثبت سفارش های این گروه به میزان بیشتر از نیاز کشور تأیید و به محض ارسال برای بانک مرکزی، تخصیص ارز لازم هم انجام شده است.

از طرف دیگر، واردات چای نیازمند استعلام از دستگاه های دیگر برای تأیید کیفیت آن است که قاعدتا بر اساس مقررات جاری کشور می بایست واردات این محصول از مسیر "زرد" و یا "قرمز" گمرک انجام می گرفت. اما مسیری که در گمرک برای ترخیص کالاهای گروه صنعتی "دبش" در نظر گرفته شده بود، عمدتا "مسیر سبز" بوده است. بدین معنا که با کمک و همراهی گمرک، تیک های تأیید بر روی آنها زده شده و در نتیجه کالاهای مورد نظر این شرکت بدون هیچگونه کنترلی ترخیص و وارد کشور شده است. مرحله پایانی انجام این فساد دولتی نیز در زد و بند با سازمان غذا و دارو انجام شده است، به گونه ای که این نهاد دولتی نیز با تأیید کیفیت کالا مجوز توزیع آن را در کشور صادر می کرده است.

بعد از افشای این بزرگترین فساد دوران حاکمیت جمهوری اسلامی، مثل همه فسادهای بزرگ برملا شده تاکنونی، بیکیاره جموعه دستگاه های حکومتی از رئیس قوه قضائیه گرفته تا رئیس قوه مجریه، از رئیس مجلس ارتجاع اسلامی گرفته تا روزنامه های مجیزگوی حکومتی، جملگی با پیاوه سرایی های تکراری و در دست گرفتن پرچم مبارزه با فساد وارد میدان شدند تا به زعم خود بتوانند نظام را اندکی در این رسوایی بزرگ تطهیر کنند.

محسنی اژه ای در عین حال که اعلام کرده با "متخلفان واردات جای بدون خط قرمز برخورد می شود"، اما به صراحت از دیگران خواست تا در مسیر "مطالبه گری با فساد، کاری نکنیم که دشمن بهره ببرد". کلیدواژه "کاری نکنیم که دشمن بهره ببرد"، از جمله دستورالعمل های خامنه ای و دستگاه قضایی است که با برملا شدن هر فساد حکومتی برای پایین کشیدن "فتیله" و خفه کردن رسانه ها بکار گرفته می شود تا در سکوت رسانه ای و پس از چند روز که سر و صداها خوابید و خیال حاکمان فاسد و تبهکار جمهوری اسلامی از واکنش های اعتراضی مردم نسبت به اینگونه تاراج رفتن های حاصل دسترنج شان آسوده شد، آنگاه با وعده تشکیل یک دادگاه فرمایشی رسوایی نظام را مدیریت کرده و با سرهم بندی کردن موضوع، قضیه را فیصله

دهند. اما آنچه در تداوم این روند باقی می ماند همانا استمرار فساد نهادینه شده در جمهوری اسلامی است که هر از چند گاهی به دلیل بحران ها و کشمکش های درونی حاکمیت، فساد بزرگتری برملا می شود، رانتی گسترده تر از پیش در درون حاکمیت برملا می شود و اختلاسی همه جانبه تر از اختلاس های پیشین گریبان حاکمان فاسد جمهوری اسلامی را می گیرد.

پوشیده نیست دزدی و اختلاس و رانت خواری و فسادهای دولتی تنها مختص به جمهوری اسلامی نیست و در جهان سرمایه داری، اغلب حکومت ها کم و بیش به این فساد دولتی آلوده هستند. اما در نظام های استبدادی و خودکامه که فاقد هرگونه نهادهای دموکراتیک و کنترل کننده هستند، وجود دزدی و فساد و رانت خواری به امری روزمره و غیر قابل کنترل تبدیل شده است. نمونه اش نظام های مذهبی و قبیله ای حاکم بر کشورهای منطقه خاورمیانه است که جملگی در دزدی و فساد غیر قابل کنترلی غوطه ورنند. با این همه، به جرأت می توان گفت که در عرصه جهانی کمتر حکومتی را می توان یافت که به اندازه نظام ارتجاعی حاکم بر ایران دزدی و فساد و رانت خواری در تمامی نهادهای آن ریشه دوانده باشد. گستردگی فساد در جمهوری اسلامی آنچنان عمیق و ریشه دار است که در عرصه جهانی از دولت ایران به عنوان یکی از فاسدترین دولت های منطقه و کل جهان نام برده می شود.

در گزارشی که سازمان شفافیت بین المللی در باره شاخص ادراک فساد از میان ۱۷۴ کشور در سال ۲۰۱۴ ارائه داد، جمهوری اسلامی با رتبه ۱۳۶ به عنوان یکی از فاسدترین دولت ها حتی در منطقه اعلام گردید. در گزارش سال ۲۰۲۰ همین سازمان، جمهوری اسلامی با ۸ پله سقوط نسبت به سال قبل ترش از میان ۱۸۰ کشور رتبه ۱۴۶ را به خود اختصاص داد و در آخرین گزارش که سازمان شفافیت بین المللی در سال ۲۰۲۱ با بررسی موضوع فساد از میان ۱۸۰ کشور ارائه داده است، جمهوری اسلامی باز هم ۴ پله سقوط کرد و در جایگاه ۱۵۰ قرار گرفته است. دلیل این غرغره شدن جمهوری اسلامی در فساد و دزدی و اختلاس روزافزون دولتی نیز برای همگان کاملا روشن و آشکار است. با نگاهی گذرا به ابعاد فساد و دزدی و اختلاس و رانت خواری های صرفا برملا شده نهادهای حکومتی آنهم طی همین بازه زمانی کوتاه ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۱، به روشن ترین وجه ممکن چرایی عمق فساد نهادینه شده در جمهوری اسلامی آشکار می شود.

افشای املاک نجومی و دزدی ۲۰ هزار میلیارد تومانی قالیباف در شهرداری تهران در سال ۹۶، افشای فایل صوتی جلسه محرمانه گفتگوی محمد علی جعفری، فرمانده وقت کل سپاه پاسداران و صادق ذوالقدرنیا، معاون سابق اقتصادی و سازندگی سپاه پاسداران در سال ۹۷، نواری که با افشای آن گوشه ای از فساد گسترده نیروهای مرتبط با نیروهای قدس سپاه پاسداران، بنیاد تعاون سپاه و شهرداری تهران از جمله دزدی و اختلاس ۸ هزار میلیارد تومانی قالیباف و قاسم سلیمانی برملا گردید. ماجرای اختلاس و دزدی



تداوم و آغاز دوباره جنایت جنگی پس از برقراری یک هفته آتش بس

حمله تروریست‌های حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به مرز اسرائیل و کشتار ۱۳۰۰ نظامی و غیر نظامی این کشور و نیز به گروگان گرفتن بیش از ۲۴۰ تن از ساکنین اسرائیل، زمینه ساز یک حمله نظامی سنگین و وحشیانه ارتش اسرائیل به سرتاسر شهر دو میلیونی غزه و کشتار بیش از ۱۵ هزار تن از ساکنین این شهر شد. ارتش فاشیست اسرائیل هر جا و نقطه‌ای که نامی از ساختمان و یا سر پناه مردم در نوار غزه بود را با جنگنده‌ها و تانک‌های خود نابود ساخت. اینک شهر غزه با بمباران ارتش صهیونیست‌ها تبدیل به تلی از خاک گشته و همچنین هزاران نفر در اثر این حملات فاشیستی، زیر آوار ویرانه‌ها دفن شده‌اند که تا این لحظه آمار دقیقی از این قربانیان بدست نیامده است. امپریالیسم آمریکا و بخشی از کشورهای اتحادیه اروپا که تمام قد از حمله نظامی دولت صهیونیستی نتانیاهاو حمایت‌های مالی و نظامی کرده بودند، با اوج گیری جنگ و کشتار وسیعی که در واقع یک جنایت جنگی و به عبارتی یک نسل کشی تمام عیار به حساب می‌آید، با پذیرش یک آتش‌بس موقت بناچار موافقت کردند، مسئله‌ای که تا همین دو هفته پیش شدیداً با برقراری آن مخالفت می‌نمودند.

باید به این مسئله تاکید کرد، آنچه که جهان سرمایه‌داری را وادار نمود اندکی از سیاست حمایتی خود نسبت به تداوم حملات ارتش اسرائیل عقب بنشینند و دولت نژاد پرست نتانیاهاو را وادار به پذیرش آتش بس نمایند، در واقع نه بخاطر کشتار بیش از پانزده هزار کودک و پیر و جوان و ویران کردن بیمارستان‌ها، تاسیسات دولتی و خدماتی، مدارس، اماکن مسکونی در غزه، بلکه تاثیر و نقش فزاینده و همه جانبه اعتراضات مردم آگاه و نیروهای مترقی در سرتاسر جهان علیه نسل کشی صهیونیست‌های نژادپرست و کشورهای آمریکایی و اروپایی مدافع آن دانست که به شدت رسوا گشته و ناچاراً با فشار به دولت نتانیاهاو، وادارش نمودند که به یک آتش بس کوتاه مدت گردن نهند. همانطور که همه واقفند، آتش بس دوامی نداشت چرا که ارتش فاشیست اسرائیل پس از یک هفته، بار دیگر از زمین و هوا مردم بی دفاع نوار غزه را به خاک و خون کشید، با این هدف که جنگ را ادامه خواهد داد تا گروه تروریستی و اسلامی حماس را نابود کند! اما جهان آگاه که هر روزه در سراسر دنیا به خیابان‌ها سرازیر می‌شوند، به چشم خود می‌بینند که هدف اصلی اسرائیل نه نابودی نیروی دست ساخت خود، گروه بنیادگرا و ارتجاعی حماس، بلکه هدف دولت نتانیاهاو بشکل آشکار کودکان، زنان و در واقع بشکل همه جانبه مردم بی‌دفاع فلسطین را آماج گلوله و توپ قرار می‌دهد تا به زعم خود جنبنده‌ای بنام فلسطینی در غزه نباشد. آنچه مسلم است، جنگ جنایتکارانه کنونی که به یک نسل کشی تمام عیار بدل گشته است، قطعاً با گسترش اعتراضات جهانی روزی پایان خواهد یافت، اما این پایان، پیروزی هیچ یک از طرفین جنگ طلب و جنایتکار را به ارمان نخواهد آورد. پایان این جنگ تنها از این جهت مهم است که افکار جهانی و نیروهای آگاه در جهان، دولت نژاد پرست و صهیونیستی نتانیاهاو و گروه اسلامی و ارتجاعی حماس را به همراه تمامی آن کشورهایابی که مدافع یکی از دو طرف این جنگ بوده و هستند را عامل تداوم این نسل کشی و زمینه ساز این جنایت جنگی وحشتناک قلمداد نموده و در پیشگاه افکار عمومی جهان محاکمه و رسوا خواهند کرد. بنابراین تا زمانیکه دولت نژاد پرست اسرائیل و کشورهای حامی آن، حق و حقوق فلسطینیان را بطور کامل به رسمیت نشناسند و به آن گردن ننگازند، اعتراضات جهانی با عمق بیشتر و خشمگینانه‌تر از گذشته در دفاع از مردم فلسطین ادامه خواهد داشت.

تنها راه جلوگیری و ممانعت از تداوم این نسل کشی و جنایت جنگی توسط دولت فاشیست اسرائیل، شرکت فعال و همه جانبه نیروهای چپ و کمونیست و انسان‌های آزادیخواه جهان در جنبش گسترده و مترقی ضد جنگ و در همبستگی با مردم فلسطین و محکومیت ارتجاع اسلامی و دولت‌های امپریالیستی و سرمایه‌داری حامی آنهاست.

کمیته خارج سازمان، خود را بخشی از این جنبش فراگیر می‌داند و هم صدا با آن، خواهان قطع فوری و بی قید و شرط جنگ، کمک فوری به ساکنین غزه و همبستگی با مردم فلسطین می‌داند.

پیروز باد جنبش انقلابی فلسطین،

مرگ بر ارتجاع اسلامی، نابود باد نظام سرمایه‌داری

زنده باد آزادی زنده باد سوسیالیسم

کمیته خارج سازمان فدائیان (اقلیت)

۷ دسامبر ۲۰۲۳

نظامی که شالوده آن بر اختلاس و فساد و رانت خواری استوار است

و رانت خواری ۲ میلیارد دلاری بابک زنجانی، ماجرای رانت خواری و اختلاس کلان شبنم نعمت زاده، دختر وزیر صمت در بخش دارو و افزایش آن در سال ۹۸، برملا شدن فساد نهادینه شده در دستگاه فاسد قضایی در پی افزایش پرونده اختلاس، پولشویی، جعل اسناد و اعمال نفوذ اکبر طبری، معاون اول اقتصادی این دستگاه فاسد و آدمکش در سال ۹۷ و پیامد آن برکناری جعفری دولت آبادی، دادستان پیشین تهران به جرم دریافت یک آپارتمان ۷۰۰ متری در فرمانیه تهران از اکبر طبری و نیز از پرده بیرون افتادن ده ها پرونده دزدی و اختلاس و رانت خواری های دیگر از جمله نمونه های برملا شده ای هستند که فقط در همین ۸ سال گذشته اتفاق افتاده اند. دزدی ها و اختلاس هایی که به دلیل بحران های درونی حاکمیت و جدال بخش های مختلف آن در سهم بری بیشتر از این فساد نهادینه شده هر چند وقت یکبار در جمهوری اسلامی برملا و بازتاب بیرونی می یابند.

نمونه آخرش هم همین رانت خواری بسیار کلان ۱۵۰ هزار میلیارد تومانی چای "دیش" است که اخیراً برملا شد. رانت خواری بزرگی که هنوز داستان آن بر زبان ها جاری بود که عضوی از شورای شهر تهران از گم شدن ۱۷ هزار میلیارد تومان در شهرداری تهران هم خیر داد.

نتیجه اینکه، طبقه حاکم سرمایه دار و نظام سیاسی پاسدار منافع آن به رغم اینکه جملگی در غارت و چپاول سرمایه های عظیم مملکت شریک جرم هستند و هر کدام بخشی از مجموعه درآمدهای حاصل از دسترنج کارگران و زحمتگشان کشور را به جیب زده اند، اما، در سهم بری بیشتر و بعضاً کوتاه کردن دست رقیب از این خوان نعمت مدام با هم در جدال هستند و هر از چندگاهی گوشه ای از این فساد و رانت خواری های حکومتی برای مردم آشکار می شود. در این میان اما، آنچه بیش از همه به گوش می رسد، صدای شکستن استخوان های توده های محروم و سرکوب شده مردم ایران است که زیر چرخ ننده های سنگین ماشین استبداد و فساد و دزدی حاکم بر جمهوری اسلامی به گوش می رسد. وضعیت مرگیاری که با ماندگاری جمهوری اسلامی مدام تشدید و بازتولید می شود.





در دفاع از اعتصاب و محکومیت بازداشت و ضرب و شتم کارگران ذوب‌آهن

اعتصاب شکوهمند کارگران ذوب‌آهن اصفهان برای تحقق خواست‌ها و مطالبات برحقشان بار دیگر قدرت عظیم کارگران متحد و یکپارچه را به نمایش گذاشت. شکوه و بزرگی این اعتصاب متحدانه به همان نسبت که در دل جامعه کارگری و انبوه نیروهای کار و زحمت امید آفرید و روحیه مبارزاتی آنان را تقویت کرد، برای صاحبان سرمایه و دولت حامی آن‌ها اما کابوسی از وحشت و مرگ را رقم زد.

اعتصاب یکپارچه و قدرتمند کارگران ذوب‌آهن اصفهان با طرح مطالباتی از قبیل: اجرای کامل طرح طبقه‌بندی مشاغل، همسان‌سازی حقوق با سایر شرکت‌های فولادی، افزایش دستمزد و پاداش با توجه به تورم سرسام‌آور، حق ایجاد تشکل مستقل همراه با حق داشتن اعتراض، در روز شنبه ۱۱ آذر شروع شد.

وحشت از اعتصاب قدرتمند کارگران و گسترش آن، "کوهی" مدیرعامل شرکت و نیز ارتجاع حاکم را آن‌چنان وحشت‌زده کرد که بلافاصله برای خواباندن اعتصاب با تمام ابزارهای سرکوب به مقابله با کارگران اعتصابی برخاستند. در بیانیه‌ای که "مجمع کارگران ذوب‌آهن اصفهان" علیه مدیرعامل ضد کارگر صادر کرده است، در مورد ابعاد یورش و سرکوب‌گری کارفرما و مزدوران آن نوشته است: "پس از حضور قدرتمند و متحدانه ما در روز شنبه ۱۱ آذر، با طنین شعار "گارد ویژه و باتوم دیگه اثر ندارد"، کوهی، مدیرعامل شرکت با هزار خواری و ذلت درصدد توجیه گسیل دادن یگان ویژه در سال گذشته برآمد. اما بلافاصله در روز یکشنبه و دوشنبه با واردکردن نیروهای گارد ویژه و چماق به دستان حراستی به داخل شرکت و تهدید و احضار و بازداشت همکارانمان و همچنین ممانعت از ورود و ضبط کارت آن‌ها، این مدیرعامل خائن و ضد کارگر به‌وضوح نشان داد که توبه گرگ مرگ است".

مجمع کارگران ذوب‌آهن همچنین در قسمت پایانی بیانیه ضمن هشدار به کارفرمای شرکت مبنی بر اینکه قدرت و اراده‌ی ما کارگران را دوباره آزمایش نکنید، اعلام کرده است: همکارانی که بازداشت‌شده‌اند باید به‌فوریت و بدون هیچ قید و شرطی آزاد شوند و مشکل همکارانی که در روند ورود و خروجشان اختلال ایجاد شده و یا کارت‌هایشان توقیف شده است، باید سریعاً برطرف گردد.

اعتصاب کارگران ذوب‌آهن در شرایطی رخ داده است که جامعه به‌شدت ناآرام و در تبوتاب تغییر و تحول است. مبارزات و تجمع‌های اعتراضی به عین در سطوح و بخش‌های مختلف جامعه مدام رو به گسترش است. طبقه حاکم برای ممانعت از تعمیق و گسترش مبارزات فزاینده جاری، به تنها ابزار خود یعنی تشدید سرکوب متوسل شده است. اما تشدید سرکوب و توسل ارتجاع حاکم به بازداشت و زندان و اعدام برای مرعوب ساختن کارگران و توده‌های مردم، بر بستر دوران انقلابی موجود تاکنون نتوانسته مانع و خلی در روند روبه رشد مبارزاتی کارگران و توده‌های زحمتکش مردم ایران ایجاد کند. این مبارزات در روند تکاملی خود و بر بستر تجارب کسب‌شده به‌مرور از انسجام مبارزاتی بهتر و بیشتری برخوردار خواهد شد. روندی که به‌روشنی چشم‌انداز اعتلای بیشتری را نوید می‌دهد.

اعتصاب قدرتمند و متحدانه کارگران ذوب‌آهن همراه با مبارزات کارگران و کارکنان صنعت نفت و دیگر صنایع تولیدی و نیز تلاش پیگیرانه زنان و باننشستگان و معلمان و دیگر اقشار زحمتکش و تهیدست جامعه، جملگی تأییدی بر شرایط ناآرام و به‌شدت متلاطم جامعه است. وضعیتی که تشدید مبارزه و گسترش اعتصابات کارگری را در سطوح بالاتری از اتحاد و همبستگی در چشم‌انداز قرار می‌دهد.

سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن حمایت قاطعانه از اعتصاب و خواست‌های برحق کارگران ذوب‌آهن اصفهان، عموم کارگران و زحمتکشان را به حمایت از اعتصاب و مطالبات رفقای کارگیشان در ذوب‌آهن فرامی‌خواند.

سازمان فدائیان (اقلیت) بازداشت، ضرب و شتم و محدودیت‌های ایجادشده برای کارگران اعتصابی ذوب‌آهن را قویاً محکوم می‌کند و همصدا با کارگران این شرکت خواهان آزادی فوری و بی‌قیدوشرط کارگران بازداشت‌شده است.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورایی

نابود باد نظام سرمایه‌داری

زنده‌باد آزادی – زنده‌باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۴ آذر ۱۴۰۲

کار، نان، آزادی- حکومت شورایی

معضل آلودگی هوا و راه حل آن



زبان مقامات دولتی وعده‌های گوناگونی برای حل این معضل می‌دهند، اما هر سال این معضل حادث می‌شود. دلیل آن نیز روشن است. برای حل معضل آلودگی هوا باید هزینه کرد، اما جمهوری اسلامی نه تنها هزینه نمی‌کند بلکه اساساً به دلیل موجودیت آن که سرتاپا فساد است و غارت‌گری و حداکثر استثمار حرف اول و آخر را در تعیین سیاست‌های اقتصادی این نظم ستمگر می‌زند، درست در مسیر عکس حرکت می‌کند.

معضل آلودگی هوا با معضل کمبود گاز، برق، آب و دیگر مشکلاتی که جامعه درگیر آن است ارتباط مستقیمی دارد، اما نظم حاکم و دولت پاسدار این نظم، آن‌قدر پوسیده و از کار افتاده است که قادر به مقابله با هیچ‌کدام از این معضلات نیست. مثلاً سالانه بیش از ۵ میلیارد دلار گاز به دلیل نداشتن تکنولوژی مناسب سوزانده می‌شود که جدا از هدر رفتن آن، برای محیط زیست نیز بسیار زیان‌آور است. این در حالی‌ست که برای مهار این گازها و استفاده از آن برای حل کمبود گاز در کشور به کمتر از این مبلغ نیاز است. یا برای تامین برق مورد نیاز از طریق انرژی‌های تجدیدپذیر هیچ اقدام درخور صورت نمی‌گیرد، در حالی که ضرر و زیان قطع برق و استفاده از سوخت‌های فسیلی در تامین برق چندین برابر پولی‌ست که برای تامین برق از طریق انرژی‌های تجدیدپذیر مورد نیاز است. آن وقت جمهوری اسلامی به بهانه‌ی تامین برق از طریق نیروگاه‌های هسته‌ای، هزینه‌های ده‌ها میلیارد دلاری به مردم ایران تحمیل می‌کند و این همه در حالی‌ست که هم اکنون تنها ۱ تا ۲ درصد برق مورد نیاز کشور از طریق نیروگاه هسته‌ای تامین می‌شود. همین مسأله در مورد خودروسازی‌ها به شکل دیگری وجود دارد، همان‌طور که در مورد تولید موتورسیکلت وجود دارد، همان‌طور که در جنگل‌خواری و کوه‌خواری و نابودی فضای سبز شاهدیم.

تا زمانی که جمهوری اسلامی بر سریر قدرت است و منافع طبقه سرمایه‌دار حاکم روند سیاست‌های اقتصادی رژیم را تعیین می‌کند، وضعیت مدام بدتر خواهد شد. راه نجات مردم، راه نجات طبیعت، راه رهایی از این ستم بی‌انتهای سرنوشتی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان است. حکومتی از آن مردم و برای مردم، حکومتی که به تضاد خصمانه و جدایی طبیعت و انسان پایان داده و زندگی در آرامش و رفاه، زندگی در صلح و صفا برای تمامی آحاد مردم هدف آن است.



سوخت‌های فسیلی که در تمام سال جریان دارد، با سرد شدن هوا و با توجه به معضل کمبود گاز، مصرف مازوت در نیروگاه‌ها و صنایع اوج می‌گیرد که منجر به تشدید خطرناک آلودگی هوا می‌شود.

به‌اعتراف رسانه‌های داخل کشور ۸۰ درصد از نیروگاه‌های حرارتی (بخاری) کشور به دلیل کمبود و گران بودن گاز، از مازوت ارزان قیمت به‌عنوان سوخت استفاده می‌کنند که البته با افزایش مصرف گاز خانگی در ماه‌های سرد سال، سایر نیروگاه‌های بخاری نیز به استفاده از مازوت روی می‌آورند. براساس آمارهای سال ۱۴۰۰ روزانه حدود ۳۲ میلیون لیتر مازوت در نیروگاه‌ها مصرف می‌شد که بدون تردید اکنون افزایش یافته است و این البته جدا از مصارف صنایع است.

به‌اعتراف دو عضو "شورای اسلامی" تهران حتا نیروگاه‌های اطراف تهران نیز از مازوت استفاده می‌کنند. مهدی پیرهادی یکی از اعضای "شورای اسلامی" در این رابطه گفت: "یک مقام آگاه و طراز اول استفاده از مازوت در نیروگاه‌های اطراف تهران را تایید کرده است". این نکته را نیز باید اضافه کرد که کیفیت مازوت و گازوئیل مصرفی در نیروگاه‌ها و صنایع بسیار پایین است به‌گونه‌ای که امکان صادرات رسمی این سوخت‌ها وجود ندارد. سوزاندن مازوت به دلیل تولید گوگرد منجر به عوارض گوناگونی همچون آسم، تنگی نفس، تشدید عوارض قلبی و غیره در انسان می‌شود. به دلیل تأثیرات مخرب مازوت بر محیط‌زیست، از سال ۲۰۲۰ براساس تصمیم سازمان بین‌المللی دریانوردی (IMO) کشتی‌هایی که بیشتر از مازوت (نفت کوره) به عنوان سوخت استفاده می‌کردند باید از گازوئیل با کیفیت (خوب) استفاده کنند و تنها در صورتی مجاز به استفاده از مازوت هستند که دارای گوگرد بسیار پایینی (کمتر از یک درصد) باشد. به همین دلیل تولید مازوت در جهان به‌شدت کاهش یافته است، اما در ایران به دلیل فرسودگی پالایشگاه‌ها و یا استفاده از تکنولوژی قدیمی هم تولید مازوت در فرآیند پالایش نفت بالاست و هم مازوت بدست آمده مانند بنزین و گازوئیل از کیفیت بسیار پایینی برخوردار است.

کاهش جنگل‌ها و فضای سبز، سدسازی‌های بی‌حساب و کتاب، خشک‌شدن تالاب‌ها و دریاچه‌ها و بالاخره افزایش ریزگردها از دیگر عوامل مهم آلودگی هوا هستند. شهرهای خوزستان هم‌چون اهواز از جمله مناطقی هستند که با معضل ریزگردها شدیداً درگیر هستند. این معضل هم اکنون به یک خطر بزرگ برای تمامی کشور تبدیل شده است که حتا تهران نیز از آن بی‌نصیب نماند و در مقاطعی منجر به تعطیلی مدارس و ادارات شد. هم اکنون تالاب صالحیه در نظرآباد استان البرز در معرض خشکی کامل قرار دارد که منجر به تولید ریزگرد و خسارات غیرقابل جبران از جمله در تهران خواهد شد.

رسانه‌های داخل و مقامات دولتی بویژه زمانی که آلودگی هوا در فصل‌های سرد سال تشدید می‌شود، مکرر از این معضل سخن گفته و از

میلیارد دلار در سال است" (روزنامه اعتماد ۲۴ آذر ۱۴۰۱).

وی همچنین گفته بود: "از ابتدای سال جاری تاکنون تعداد روزهای ناسالم پایتخت نسبت به سال گذشته ۲ برابر شده و تعداد روزهای بسیار ناسالم و خطرناک نیز ۲۰۰ درصد افزایش یافته است. در کرج نیز روزهای بسیار ناسالم ۲ برابر و خطرناک ۴ برابر شده است. در تبریز روزهای خطرناک ۱۰۰ درصد افزایش یافته و در مشهد روزهای ناسالم ۲ برابر شده است. در همان حال در اراک تعداد روزهای بسیار ناسالم و خطرناک ۲ برابر شده و در شیراز تعداد روزهای ناسالم ۹ برابر شده و روزهای پاک هم به نصف کاهش یافته است. در اهواز وضعیت بسیار بدتر بوده به شکلی که تعداد روزهای ناسالم حدود ۵ برابر شده و تعداد روزهای بسیار ناسالم ۱۲ برابر و روزهای خطرناک ۲۱ برابر شده است. متأسفانه امسال تهرانی‌ها ۲ روز، اصفهانی‌ها، کرجی‌ها، اهوازی‌ها و اراکی‌ها فقط یک روز پاک داشتند".

اما با وجود آن‌که مقامات دولتی به وضعیت بحرانی آلودگی هوا در ایران اعتراف می‌کنند و هر سال بویژه با کاهش دمای هوا و کاهش باد شاهد بدتر شدن آن به اعتراف مقامات حکومتی هستیم، چرا هیچ گامی در راستای حل این معضل برداشته نمی‌شود و چه عواملی در بروز این معضل بزرگ نقش ایفا می‌کنند؟!

از جمله عللی که در ارتباط با آلودگی هوا عنوان می‌گردد، می‌توان به مازوت‌سوزی نیروگاه‌ها، کیفیت پایین سوخت‌های فسیلی همچون بنزین و گازوئیل، مصرف بالای سوخت توسط خودروها و عبور و مرور خودروهای فرسوده اشاره کرد. به‌گفته‌ی جعفر تشکری رئیس کمیسیون حمل‌ونقل ترافیک "شورای اسلامی" تهران "، ۸۰ درصد آلودگی هوا ناشی از عبور و مرور خودرو و موتورسیکلت است. حدوداً ۲۵ میلیون خودرو در کشور وجود دارد که ۶/۵ میلیون آن فرسوده و باید از رده خارج شوند. از ۱۲ میلیون موتورسیکلت شماره‌گذاری شده نیز حدود ۹۰ درصد فرسوده هستند و چندین برابر یک خودرو آلودگی ایجاد می‌کنند. به این موارد باید فرسوده بودن ناوگان حمل و نقل عمومی را نیز اضافه کرد.

ابراهیمی نماینده مجلس اسلامی نیز در این رابطه می‌گوید اگر هزینه‌های درمان و ماشین‌هایی را که در ایران تولید می‌شود مقایسه کنیم می‌بینیم که بهتر است اصلاً خودروسازی در ایران تعطیل شود و به جای آن ماشین از خارج وارد کنیم. اما یک معضل دیگر کیفیت پایین سوخت خودروهاست که به اعتراف مقامات دولتی در "سازمان حفاظت محیط زیست" بنزین مصرفی در برخی از استان‌ها حتا استاندارد یورو چهار راه هم ندارد. از ابتدای سال جاری توزیع بنزین سوپر نیز در مقایسه با سال گذشته ۹۰ درصد کاهش یافته است. کیفیت بنزین تولیدی به حدی پایین است که اخیراً طالبان ۴۳ تانکر بنزین صادراتی ایران را بازگردانده است. اما جدا از آلودگی هوا در اثر مصرف

معضل آلودگی هوا و راه حل آن

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 1048 December 2023

آلودمترین شهر کشور بود. همزمان در تهران نیز رئیس مرکز اورژانس استان، از استقرار ناوگان اورژانس در میدان‌ها و خیابان‌های اصلی تهران خبر داده بود. براساس اخبار منتشره میزان مراجعه به اورژانس در پی تشدید آلودگی هوا دو برابر شده است. در ماه آبان نیز به طور متوسط روزانه حدود هزار نفر در رابطه با مشکلات تنفسی و قلبی با اورژانس تهران تماس گرفته بودند. در خوزستان نیز از ۱۰ تا ۱۳ آذر بیش از ۲۳۰۰ نفر با مشکلات قلبی و تنفسی به اورژانس مراجعه کردند. در سال‌های اخیر بحران آلودگی هوا حتی به شهرهای کوچکتر و استان‌هایی همچون گیلان، مازندران و گلستان گسترش یافته است.

به‌گفته‌ی گل‌علیزاده رئیس "مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم" سازمان "حفاظت محیط زیست"، در سال ۱۴۰۱ بیش از ۲۶ هزار نفر در ۳۳ شهر به دلیل آلودگی هوا جان باختند. البته سمیه رفیعی رئیس گروه محیط زیست مجلس اسلامی رقم بالاتری از مرگ و میر در اثر آلودگی هوا ارائه داده است. وی گفته بود: "بر اساس گزارش بانک جهانی، در سال ۲۰۲۱ بیش از ۴۱۷۰۰ نفر در کشور به دلیل ذرات معلق کمتر از ۲/۵ میکرون در هوا، جان خود را از دست دادند و خسارت آلودگی هوا به کشور بین ۷ تا ۱۱

درصافه ۹

به نوشته‌ی "سلامت نیوز" (۱۶ آذر) تهران آلودمترین هفته خود را از آغاز سال تا به امروز پشت سر گذاشت و میزان غلظت آلاینده ۲/۵ PM به ۷/۹ برابر حد مجاز رسید. آلاینده ۲/۵ PM خطرناکترین عامل آلودگی در میان آلاینده‌های دیگر است که به بخش‌های عمیق‌تر ریه نفوذ می‌کند، وارد خون می‌شود و هم ناشی از مواد سمی‌تری مانند فلزات سنگین یا ترکیبات آلی سرطان‌زا است، همچنین موجب بسیاری از بیماری‌ها از سردرد تا دیگر بیماری‌های جسمی و حتا روحی می‌شود. به اعتراف جعفر تشکری از اعضای "شورای اسلامی شهر تهران" این ذرات مهم‌ترین علت آلودگی هوای تهران هستند. براساس اعلام سازمان هواشناسی وضعیت نارنجی آلودگی هوا در هفته جاری بویژه در کلان‌شهرها ادامه خواهد یافت، اما هنوز خبری در مورد تعطیلی مجدد مدارس منتشر نشده است. پیش از این در روز ۱۱ آذر، اداره کل مدیریت بحران استانداری اصفهان تمام مقاطع تحصیلی (از جمله دانشگاه‌ها) در اصفهان، فلاورجان، پیربکران، نجف‌آباد، خمینی‌شهر، شاهین‌شهر، برخوار، مبارکه، زرین شهر و فولاد شهر را به دلیل آلودگی هوا غیرحضور و مهدهای کودک، پیش دبستانی و مدارس استثنایی را تعطیل اعلام کرده بود. مراکز فرهنگی و ورزشی نیز تعطیل شده بودند. بهرغم تمهیدات فوق ۱۴ آذر اصفهان



tvshorashora@gmail.com

تلویزیون دمکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای زحمتکش و ستم دیده ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می کنند

بینندگان تلویزیون دمکراسی شورایی، دوستان، رفقا و همراهان

تلویزیون دمکراسی شورایی در روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب و در روزهای سه شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم تا هشت شب به وقت ایران، برنامه های خود را به مدت ۹۰ دقیقه روی شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست پخش می کند .

برنامه های تلویزیون دمکراسی شورایی را همچنین می توانید در سایت سازمان فداییان (اقلیت) و شبکه های اجتماعی فیسبوک، تلگرام، اینستا گرام و یوتوب نیز دنبال کنید. مشخصات تلویزیون دمکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید . مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل تلویزیون دمکراسی شورایی: tvshorashora@gmail.com

شماره تلفن : ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورایی